

چالش‌های انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی و مواضع امام خمینی

حمید بصیرت‌منش (نویسنده مسئول)

استادیار تاریخ پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

basirat1341@yahoo.com

مینا آونج

کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی؛ پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

mina.avanj@gmail.com

چکیده

انتخابات مجلس دوم شورای اسلامی در شرایطی متفاوت با دوره نخست برگزار شد. با کناره‌گیری تدریجی نیروهای ملی - مذهبی از ساختار سیاسی نظام، انتخابات این دوره از مجلس، منحصرأ صحنه رقابت نیروهای موسوم به خط امام و یا مکتبی بود؛ بنابراین برخی با خوشبینی تصور می‌کردند که یک‌دست بودن داوطلبین نمایندگی مجلس، فضای سیاسی کشور را از هرگونه چالش مصون می‌دارد، اما شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورد. مدتی پیش از آغاز انتخابات، بدر اختلاف نظر و چالش در میان نیروهای مکتبی پاشیده شده بود. به تدریج، دو جناح معروف به «چپ» و «راست»، از دل نیروهای مکتبی سربرآورد، که بدیهی بود انتخابات نمی‌توانست بدون هیچگونه چالشی برگزار شود.

یکی از ویژگی‌های انتخابات این دوره مجلس، حضور هدایت‌گرانه امام خمینی بود. ایشان به درستی متوجه جو حاکم بر انتخابات و شکل‌گیری منازعات جدید شدند، بنابراین به طرق مختلف تلاش نمود دسته بندی‌ها و جناح بندی‌های سیاسی، حق انتخاب را از مردم سلب ننماید. از آن جایی که ایشان اهمیت و ارزش ویژه‌ای برای جنبه مردم‌سالارانه، نظام جمهوری اسلامی قائل بود، در شرایط و موقعیت‌های مختلف، کاندیداهای مجلس را از درگیری‌های جناحی و گروهی برحذر می‌داشت. این مقاله درصدد است تا با رویکردی توصیفی به بررسی و شناسایی مواضع امام خمینی در باب چالش‌ها و منازعات سیاسی انتخابات این دوره از مجلس بپردازد. مسئله اصلی این است که در آستانه برگزاری انتخابات مجلس دوم شورای اسلامی،

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۴

چه چالش‌ها و منازعاتی در درون حاکمیت سیاسی جمهوری اسلامی ایجاد شد و مواضع امام خمینی به عنوان رهبر نظام در جهت دهی انتخابات و هدایت جریان‌های سیاسی چگونه بود؟
کلیدواژه‌ها: مجلس دوم شورای اسلامی، انتخابات، امام خمینی، مشارکت سیاسی، شورای نگهبان.

مقدمه

در روزهای آغازین سال ۱۳۶۳، انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی در شرف برگزاری بود، و مجلس دوم می‌رفت تا با کوله‌باری از تجربه‌های مجلس پیشین کار خود را آغاز نماید. در این زمان، کشور در حالت جنگ و در وضعیت شدید تحریم سیاسی، نظامی و اقتصادی به سر می‌برد. بحران‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ و هزینه‌های هنگفت آن برای کشوری که به تازگی انقلاب کرده بود، بسیار طاقت‌فرسا بود. در اثر جنگ، کمبودهای اقتصادی افزایش یافته بود.

با آغاز نخست‌وزیری مهندس میرحسین موسوی در ۱۳۶۰/۸/۷ و پیش از تشکیل دومین دوره مجلس شورای اسلامی، مباحثی مربوط به دیدگاه اسلام در موضوع‌های مختلف اداره جامعه اسلامی از جمله در باب مسائل اقتصادی، در جامعه و تریبون‌های مختلف و نشریات و رسانه‌ها مطرح شد.^۱ این مباحث به لحاظ حساسیت، به مناقشاتی میان نیروهای وفادار به انقلاب انجامید. تداوم این مناقشات منجر به شکل‌گیری دو جناح چپ و راست در میان نیروهای پیرو خط امام شد. علی‌الظاهر، هر دو جناح در آغاز از به کار بردن این عناوین برای خود خودداری می‌کردند، زیرا تعابیر مزبور دارای محتوایی منفی بود و بیشتر از سوی جناح رقیب علیه یکدیگر استفاده می‌شد. در خاطرات علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی به کرات از وجود این جناح‌ها یاد شده است (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۶۶). جوانه‌های اختلاف فکری در جامعه پدیدار شده بود. صحنه سیاسی جامعه ایران از این پس شاهد تقسیم‌بندی‌هایی همچون چپ، راست، میانه، محافظه‌کار، تندرو، سنتی، بازاری، مکتبی، غیرمکتبی، خط امام و حزب‌الله بود. نکته حائز اهمیت این بود که جناح‌های به وجود آمده در دل نیروهای مکتبی، در بسیاری مسائل از جمله اصول و مبانی انقلاب و تبعیت از مقام رهبری، با یکدیگر مشترک بودند. به گفته

۱. نمونه این مناقشات جمع‌آوری کتاب شهید مطهری در مورد اقتصاد اسلامی در سال‌های نخست دهه ۶۰ بود.

محسن آرمین، این دو جریان هر دو در رهبری امام خمینی به اتفاق نظر رسیده بودند (گفتگو با محسن آرمین، آذر ۱۳۹۳: ۹۸).

به‌طور کلی، مفاهیم چپ و راست در ایران، بسیار گنگ و مبهم است. این جناح‌ها را نمی‌توان به‌طور کامل و دقیق مشخص نمود؛ زیرا برخلاف احزاب سیاسی در دنیای غرب، این جریان‌ها دارای اصول مکتوبی نبودند. رهبر انقلاب، امام خمینی با توجه به شرایط حساس پس از انقلاب، به ویژه در ایام جنگ تحمیلی، اصولاً با هر گونه تفرقه و پراکندگی مخالف بود، در نتیجه این جناح‌بندی‌ها به‌طور رسمی کمتر مطرح می‌شد. در این مقطع زمانی، موضوعات اقتصادی و چگونگی اداره حیات اقتصادی مردم، مهم‌ترین عامل چالش‌برانگیز میان جناح‌های سیاسی بود. با توجه به شرایط جنگی، جناح چپ معتقد بود برای آن‌که امکانات در دست عده‌ای سرمایه‌دار جمع نشود و عدالت اجتماعی برقرار گردد، می‌بایست دولت در امور اقتصادی نقش اصلی و بنیادین داشته و به صورت متمرکز حوزه‌های اقتصادی را تحت کنترل خود بگیرد. (اسدالله بیات زنجانی، مصاحبه، ۱۳۹۴/۳/۱۸). در مقابل می‌بایست دست شرکت‌های خصوصی و سرمایه‌داران از امور اقتصادی از جمله تجارت و بازرگانی کوتاه گردد، و در مقابل، جناح راست، خواهان نقش‌آفرینی هر چه بیشتر بخش خصوصی در اقتصاد و تجارت کشور بود، و اعتقاد داشت، اقتصاد متمرکز و دولتی به نتیجه نمی‌رسد و مشارکت مردمی و بخش خصوصی ضرورت دارد (حمیدزاده گیوی، مصاحبه، ۱۳۹۴/۳/۲۵).

این اختلافات فکری به تدریج در داخل حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دیگر تشکل‌ها و سازمان‌های نظام شکل گرفت. جناح چپ حزب جمهوری اسلامی شامل جریان روشنفکران مذهبی می‌شد، و چهره شاخصی چون میرحسین موسوی محور این جناح بود. جریان راست نیز شامل سران جمعیت مؤتلفه و تعدادی از بازاریان بود که با توجه به پیشینه مبارزاتی آن‌ها با حکومت پهلوی، از جایگاه ویژه‌ای در شورای مرکزی حزب جمهوری برخوردار بودند (محتشمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۸). علاوه بر وجود این دو جناح حزب جمهوری اسلامی، جناح سوم موسوم به «میانه» نیز حضور داشت که بنا به گفته ناطق نوری، شامل افرادی همچون فرزاد رهبری، مرتضی محمدخان و مصطفی میرسلیم می‌شد که معروف به خط ۳ حزب بودند (ناطق نوری، ۱۳۸۴: ۸۵)، اما نمود چندان‌ی در اختلافات سیاسی نداشتند. انتخابات مجلس دوم شورای اسلامی، قاعدتاً تحت تأثیر این شرایط قرار گرفت و با شروع

فعالیت انتخاباتی، مرحله تازه‌ای از اختلافات و منازعات نیروهای وفادار به انقلاب امکان بروز یافت.

در این مقاله، روندشناسی انتخابات مجلس دوم و رهنمودهای مدیریتی امام خمینی منحصراً در باب انتخابات این دوره از مجلس مورد بررسی قرار گرفته و متکفل همه دیدگاه‌های رهبری انقلاب پیرامون انتخابات نمی‌باشد.^۱

ملاک و مجوزهای حضور در انتخابات و انجام تبلیغات انتخاباتی

به منظور تأمین سلامت انتخابات، ملاک و مجوزهایی برای ورود افراد به رقابت‌های انتخاباتی این دوره از مجلس در نظر گرفته شد. از مهم‌ترین این ملاک‌ها، اعتقاد به اسلام و روش‌های انقلابی مورد حمایت نظام و عدم گرایش به گروه‌های معاند بود (صالح، ۱۳۸۵: ۷۲۰/۲). امام خمینی در این باره اعتقاد داشت کاندیداهای نمایندگی باید در درجه نخست به اسلام و اجرای صحیح آن توجه داشته و با کیان نظام جمهوری اسلامی مخالفتی نداشته باشند. ایشان در این باره پیش از برگزاری انتخابات در جمع خطبا و وعاظ در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۶۲ این‌گونه توصیه نمود:

... و همین‌طور در انتخابات، مردم را توجه بدهید به این‌که شما می‌خواهید اسلام را حفظ کنید. باید منتخبین شما اشخاصی باشند که توجه به اسلام داشته باشند. متعهد به اسلام باشند. بازیگر نباشند. به شرق و غرب توجه نداشته باشند. باید تکلیف کرد به مردم که وقتی انتخابات پیش آمد، به‌طور شایسته، روحانیون عمل کنند، وعاظ عمل کنند و مردم هم به تبع آن‌ها عمل کنند تا یک مجلسی داشته باشیم که دیگر در آن هیچ اشخاصی که مخالف با وجهه، جمهوری‌ت هستند، نداشته باشیم (صحیفه امام، ۱۷۳/۱۸ - ۱۷۴).

به این ترتیب انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی در غیاب گروه‌های سیاسی و احزاب مختلفی نظیر جبهه ملی و حزب توده که در نظر نیروهای مکتبی، فاقد ملاک‌های ذکر شده بودند، برگزار شد. پیش از آن، نهضت آزادی به منظور تأمین آزادی انتخابات، خواستار لغو توقیف روزنامه خود شد. در سال ۱۳۶۱، روزنامه «میزان»، ارگان نهضت آزادی به علت

۱. جهت اطلاع از اندیشه سیاسی امام خمینی در باب انتخابات، ر.ک: انتخابات و مجلس از نگاه امام خمینی، تبیان، دفتر اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۴.

درج مقالاتی که تشنج‌آفرین اعلام شده بود، توقیف گردید. درخواست آنان مبنی بر لغو توقیف روزنامه‌میزان با پاسخ منفی روبه‌رو گردید. این مسأله، انتقادات شدید نهضت آزادی را برانگیخت. اگرچه پیش از آن هم به حکومت انتقاداتی داشتند و مدعی وجود خفقان در کشور بودند (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۱: ۵۲۷).

پس از آن، نهضت آزادی انتخابات دومین دوره مجلس را به گفته خود به دلیل «فقدان شرایط دموکراتیک»، تحریم کرد (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۳۶). دعوت به تحریم انتخابات، با پاسخ مثبت همراه نشد (خواج‌سروی، ۱۳۸۲: ۲۹۸)، زیرا شرایط جامعه به‌گونه‌ای بود که مواضع نهضت آزادی و دیگر گروه‌های مخالف روند موجود، با اقبال عمومی روبه‌رو نمی‌گردید. به این ترتیب، انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در شرایطی متفاوت از انتخابات مجلس اول برگزار گردید، چراکه نیروهای مکتبی، علاقه‌ای به حضور لیبرال‌ها (اصطلاحی که برای مجموعه گروه‌هایی چون نهضت آزادی و جبهه ملی به کار می‌بردند) در انتخابات نداشتند. به گفته سید محمود دعایی، گروه‌ها و طیف‌هایی در مجلس اول حضور داشتند که از منظر علمی و تخصصی، کارآمد بودند، اما به علت گرایش‌های خاصشان در انزوا قرار گرفته بودند، و جامعه نسبت به آن‌ها موضع داشت، بنابراین بسیاری از آن‌ها خود برای نمایندگی مجلس دوم داوطلب نشدند (دعایی، مصاحبه، ۱۳۹۴/۳/۱۷).

با وجود آن‌که به نظر می‌رسید با حضور نیافتن یا نبود شرایط برای امکان حضور نیروهای جبهه ملی و نهضت آزادی، انتخابات مجلس دوم در فضای بی‌تنشی برگزار شود، در عمل، این دوره از انتخابات نیز به صحنه رقابت نیروهای خط امام یا همان نیروهای مکتبی با یکدیگر، مبدل شد و شرایطی را پدید آورد که امام خمینی ناچار به موضع‌گیری در آن باره شد.

امام خمینی در زمینه افزایش هرچه بیشتر آزادی انتخاباتی، در تاریخ ۱۳۶۲/۳/۱۷ در جمع وعاظ و خطبا، به روحانیون مبارز تهران، مدرسین حوزه علمیه قم و روحانیون شهرستان‌ها در ارتباط با پرهیز از اختلاف و عبرت‌گیری از اختلافات روحانیون در تاریخ مشروطه، تذکر داد و تأکید نمود که تبلیغات انتخابات به گونه‌ای نباشد که افراد، دیگر کاندیداها را تخریب کنند (صحیفه امام، ۱۷۲/۱۸).

ایشان انتظار خود را از جناح‌ها و گروه‌های سیاسی این دانست که اگر کسی یا کسانی را در غیر گروه یا صنف خود یافتند که از افراد گروه‌شان لایق‌تر است، وی را انتخاب نمایند و

از گروه‌گرایی بهره‌میزند؛ نیز ضابطه‌گرایی را به گروه‌گرایی ترجیح می‌داد و معتقد بود با مسئله انتخابات، گروه‌گرایان از ضوابط‌گرایان ممتاز خواهند شد. ایشان در جمع ائمه جمعه مراکز استان‌ها در مورخ ۱۳۶۲/۸/۴ با مخاطب قرار دادن اعضای حزب جمهوری اسلامی، چنین خاطرنشان ساخت:

انتخابات، محکی است که ببینید آیا می‌خواهید انتخاب اصلح بکنید برای خودتان، یا برای اسلام؛ اگر برای خودتان باشد، شیطانی است، اما اگر برای مسلمان‌هاست، کی و از کجاست، مطرح نیست، از هر گروهی باشد، حزب باشد یا غیر حزب، نه حزب اسباب این می‌شود که غیر آن فاسد، و نه صددرصد حزبی بودن باعث صلاح آن‌هاست (صحیفه امام، ۱۹۶/۱۸ - ۱۹۷).

امام که نگران بود گروه‌گرایی در میان سیاسیون حق انتخاب را از مردم سلب نماید، همواره این امر را به جناح‌ها و گروه‌ها متذکر می‌شد. ایشان در سخنان دیگری خاطرنشان ساخت که در طرفداری از کاندیداها نمی‌بایست زیاده روی نمود و به جان یکدیگر افتاد، چراکه این امر، شرایط دوران مشروطه و شکست پس از آن را تکرار خواهد نمود (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۱۱/۱۳: ۱۵). پیش از برگزاری انتخابات، شرایط خاصی ایجاد شده بود. گروهی از روحانیون و تشکل‌ها دارای چنان منزلتی نزد مردم بودند که بیم آن می‌رفت، معرفی کاندیدا از سوی آنان، مانع حق انتخاب آزادانه از سوی مردم شود. امام خمینی با درک این موضوع که ممکن است گروه‌ها از جمله روحانیون برای معرفی کاندیداها هم‌هنگام با خط فکری خود در تمامی حوزه‌ها اصرار ورزند، طی پیامی در بهمن ماه ۱۳۶۲، توصیه نمود که هیچ حوزه‌ای برای حوزه دیگر کاندیدا معین نکنند، و همچنین صلاحیت و عدم صلاحیت شخص یا اشخاص کاندیداها را تأیید و تصدیق ننمایند. بر اساس این رهنمون امام خمینی، تمامی افراد در صورت دارا بودن شرایط لازم، در تعیین کاندیداها و یا کاندیدا شدن آزاد بودند (صحیفه امام، ۳۷۷/۱۸ - ۳۳۸).

پیش از این، حزب جمهوری اسلامی و دیگر گروه‌های فعال در انتخابات، درصدد بودند کاندیداهایی را در تمام نقاط کشور به مردم معرفی کنند. به اعتقاد علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی، این امر برخلاف دمکراسی نبود، اما حمایت این نهادها از کاندیداها مورد نظر به آنان چنان اعتباری بخشید که جایی برای عرض اندام رقیب باقی نمی‌گذاشت (جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲/۱۲/۲۰: ۱۱).

بعد از تأکید امام در این باره، مباحثاتی پیرامون نحوه برخورد با انتخابات در حزب جمهوری

اسلامی شکل گرفت. برخی از نهی امام مبنی بر عدم معرفی داوطلب برای سراسر مملکت و حوزه‌ای برای حوزه دیگر، اظهار نارضایتی کردند، چنان‌که محمدمهدی ربانی‌املشی، خواستار مذاکره با امام جهت تغییر نظر ایشان از این تصمیم شد (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۱: ۴۸۵).

این نارضایتی‌ها، تغییری در تصمیم امام ایجاد نکرد، چراکه ایشان به درستی متوجه جو حاکم بر انتخابات شده بود و دریافته بود که موقعیت برخی از جناح‌ها و گروهی از روحانیت در آن مقطع به گونه‌ای است که حمایت آنان از داوطلبی خاص، منجر به پیروزی حتمی او در انتخابات خواهد شد و به این ترتیب، قدرت واقعی انتخاب از مردم سلب خواهد گردید.

اسدالله بیات زنجانی در این باره معتقد است: امام خمینی، انتخابات را به صورت امری جدی و اصلی می‌دانست و تلاش می‌کرد به گونه‌ای پیش‌نرود که تمهیدات، موقعیت‌های پولی، اعتقادی و ایدئولوژیکی افراد باعث شود مردم در انتخابات متأثر از غیر خودشان باشند. برخلاف کسانی که در آن مقطع به دنبال جهت دادن به انتخابات بودند تا افراد هماهنگ به گرایشات خودشان به مجلس راه پیدا کنند، تمام تلاش امام خمینی بر آن بود که اسلام و مصالح ملی در اولویت قرار گیرد، به گونه‌ای که مردم تصمیم‌گیرنده اصلی باشند و علما تنها به مردم مشورت بدهند (بیات زنجانی، مصاحبه، ۱۳۹۴/۳/۱۸).

ناطق نوری نیز از این مسأله به عنوان ویژگی منحصر به فرد انتخابات در این دوره از مجلس یاد می‌کند، چرا که در این شرایط به همه افراد این فرصت داده شد که وارد میدان شوند (جمهوری/اسلامی، ۱۳۶۳/۱/۱۸: ۷).

در پی تذکرات امام خمینی، حزب جمهوری طی بخش‌نامه‌ای به دفاتر حزب در سراسر کشور اعلام کرد که تعیین نامزد حزب در هر حوزه انتخاباتی بر عهده دفتر همان حوزه است و دفتر مرکزی، هیچ‌گونه مداخله‌ای در تعیین نامزدهای انتخاباتی در غیر شهر تهران نخواهد کرد، و تبلیغات انتخاباتی هر حوزه توسط دفتر همان حوزه انجام می‌گیرد (جمهوری/اسلامی، ۱۳۶۳/۱۱/۲۶: ۱).

دفاتر مرکزی دیگر جناح‌ها و گروه‌های سیاسی نیز به تبع حزب جمهوری اسلامی، نظرات امام خمینی را در این باره اطاعت نمودند. سیدعلی خامنه‌ای، دبیر کل حزب جمهوری اسلامی، دفاتر حزب را موظف نمود صلاحیت‌های اصولی را در تعیین نامزدها مدنظر قرار دهند، و هیچ رابطه و انگیزه‌ای را بر آن ترجیح ندهند. این صلاحیت‌ها عبارت بودند از تقوا، سلامت عقیدتی،

آگاهی و درست اندیشی سیاسی، دارا بودن فقاقت یا یکی از تخصص‌هایی که قانون‌گذار برای ادارهٔ کشور نیازمند است، آشنا بودن به مسائل جاری کشور، مقبول و معروف بودن در حوزهٔ انتخاباتی (جمهوری/اسلامی، ۱۳۶۲/۱۱/۲۶: ۱).

حضور افراد غیر حزبی مانند مهدی کروبی، محمد یزدی، عاتقه صدیقی و محی‌الدین انواری در لیست حزب جمهوری اسلامی، نشان از آن داشت که حزب تا حدی تکیه بر صلاحیت‌های افراد، و نه وابستگی حزبی داشت (آقای جیرهنده؛ بسطامی، ۱۳۸۷: ۷۶).

دیگر جناح‌ها و گروه‌های سیاسی در تهران نیز لیست خاصی از کاندیدای مورد حمایت خود را منتشر ساختند. به طور کلی می‌توان عنوان کرد که لیست‌های انتخاباتی جناح‌های سیاسی در این دوره، بسیار به یکدیگر نزدیک بود. نام تعداد زیادی از داوطلبین در چندین لیست به صورت مکرر دیده می‌شد. چنانکه از لیست ۱۷ نفرهٔ تهران در مرحلهٔ دوم، جامعهٔ روحانیت با حزب جمهوری اسلامی، فقط سه اختلاف داشت (که عبارت بودند از سید محمد اصغری، فضل‌الله محلاتی و حسین موسویان) که متمایل‌تر به جناح چپ بودند و در لیست جامعهٔ روحانیت حضور داشتند (شادلو، ۱۳۸۶: ۳۱). این مسأله، نشان از ائتلاف‌هایی داشت که میان آن‌ها صورت گرفته بود.

در عین حال، روحانیت از امکانات عمومی دیگری همچون نهاد نماز جمعه برخوردار بود که می‌توانست برای آنان در مقابل دیگر کاندیداها به عنوان یک مزیت محسوب شود. این مسأله، شائبهٔ برتری روحانیت را در زمینهٔ تبلیغات انتخاباتی بر دیگران، مطرح نمود. به همین خاطر، حسین علی منتظری امام جمعهٔ تهران، در جهت ایجاد آزادی هرچه بیشتر در انتخابات اظهار کرد که نباید نهاد نماز جمعه در اختیار گروه خاصی قرار گیرد و برای کاندیدای خاصی در نماز جمعه تبلیغات شود. وی تأکید کرد از آنجایی که نهاد نماز جمعه متعلق به تمام اقشار است، باید از قرار گرفتن آن نهاد در مسیری خاص، جلوگیری به عمل آورد (جمهوری/اسلامی، ۱۳۶۲/۱۱/۲۶: ۱۲).

موضع‌گیری امام خمینی در مورد حضور دانشگاهیان در انتخابات

در آستانهٔ برگزاری انتخابات، عده‌ای از روحانیون بر این عقیده بودند که تنها مجتهدین واجد شرایط حق اظهار نظر و معرفی افراد شایسته به مردم را دارند. آن‌ها از دخالت دانشجویان

و تشکلهای دانشجویی در انتخابات چندان راضی نبودند، و برخی از ایشان حتی مسأله را پنهان نمی‌کردند و به صراحت دانشجویان را به پیروی محض از بخش‌هایی از روحانیون دعوت می‌کردند. شرایطی در این مقطع ایجاد شده بود که گفته می‌شد روحانیون فقط فعال سیاسی هستند و دیگران باید از آنها تبعیت کنند. به معنای دیگر، این شائبه به وجود آمده بود که افراد نمی‌توانند به‌طور مستقل در انتخابات شرکت نمایند (گفتگو با مهدی کروبی، خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶/۱۱/۹). با وجود آن که امام خمینی معتقد به نقش مشورتی روحانیون در راهنمایی مردم بود، لیکن منحصر کردن دخالت روحانیون و کنار کشیدن مردم را آفت بزرگی بود که خسارات جبران‌ناپذیری را نوید می‌داد، که در نتیجه منجر به موضع‌گیری شدید امام خمینی گردید. ایشان به‌طور واضح این نظر را مردود دانست و بر دخالت اقشار مختلف بویژه دانشجویان در تمام صحنه‌های سیاسی و اجتماعی تأکید نمود:

انتخابات در انحصار هیچ کس نیست، نه در انحصار روحانیون است، نه در انحصار احزاب است، نه در انحصار گروه‌هاست. انتخابات مال همهٔ مردم است... از قراری که من شنیده‌ام، در دانشگاه بعضی از اشخاص رفته‌اند گفته‌اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا می‌گفتند که مجتهدین در سیاست نباید دخالت بکنند، این منافی با حق مجتهدین است، آن جا شکست خورده‌اند، حالا عکسش را دارند می‌گویند... آن وقت شیطنت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار ضرر به ما زدند و ما بسیار ضرر خوردیم و آنها هم بسیار نفع بردند. این مطلب شکست خورده؛ حالا می‌گویند که سیاست حق مجتهدین است؛ یعنی در امور سیاسی در ایران پانصد نفر دخالت کنند، باقی‌شان بروند سراغ کارشان. یعنی مردم بروند سراغ کارشان، هیچ کار به مسائل اجتماعی نداشته باشند، و چند نفر پیرمرد ملا بیایند دخالت بکنند. این از آن توطئهٔ سابق بدتر است برای ایران (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۱۲/۱۰: ۱۲).

همان‌گونه که ذکر شد، اصل مشورت مردم با روحانیون، مورد تأکید امام قرار داشت، کما این که ایشان در سخنرانی مورخ ۱۳ مهر ۱۳۶۲ (که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت)، بر آن تأکید کرده بودند. چه بسا نگرش برخی از روحانیون نیز از روی دلسوزی بود، اما با این حال، خطرات ناشی از بی‌اراده کردن مردم و تزلزل در وجههٔ مردمی بودن نظام، دغدغه‌ای بود که منجر به واکنش امام خمینی گردید. به نظر می‌رسد یکی از معتقدان به نقش انحصاری روحانیون، محمدرضا مهدوی‌کنی بود

که از یاران قدیمی و مبارز امام خمینی تلقی می‌گردید. به گفته اسدالله بیات زنجانی: آیت‌الله مهدوی کنی آمد گفت: مردم، با علمای مناطق مشورت کنید؛ آن‌ها به هر که گفتند رأی دهید، به همان رأی دهید. پس از سخن ایشان بود که امام خمینی موضع‌گیری نمود (بیات زنجانی، مصاحبه، ۱۳۹۴/۳/۱۸).

نگرش انحصارطلبانه در انتخابات، انعکاس وسیعی در سطح جامعه و فعالان انتخاباتی یافت و واکنش‌هایی را در میان مسئولان عالی‌رتبه کشوری برانگیخت. آیت‌الله منتظری پیرامون شرکت دانشگاهیان در انتخابات در دیدار با ستاد انتخاباتی دفتر تحکیم وحدت، به حق طبیعی دانشجویان در مشارکت انتخابات اشاره کرد و افزود، دخالت دانشگاه و روحانیت در انتخابات نباید به حد افراط و تفریط برسد. ایشان آزادی انتخابات را به عنوان اصلی مهم برشمرد و اظهار کرد که روحانیت و دانشگاه می‌توانند معیارهای مورد نظر اسلام را در انتخاب نمایندگان برای مردم بیان کنند، یا کسانی را که به نظرشان از هر نظر دارای صلاحیت نمایندگی هستند، به مردم معرفی نمایند، بدون این که تحمیلی در بین باشد (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۱۲/۱۸: ۱۶). علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی نیز در سخنرانی خود پیش از خطبه‌های نماز جمعه، این مطلب را که تنها روحانیون حق حضور در انتخابات دارند، محکوم نمود (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۱۲/۲۰: ۵). میرحسین موسوی نخست‌وزیر نیز نگرش این گروه از روحانیت را در ارتباط با عدم دخالت دانشگاهیان در انتخابات، سیاست‌زدایی از دانشگاه دانست و آن را کج‌اندیشی توصیف کرد و خواستار حضور پر قدرت دانشگاهیان در امر انتخابات شد (کیهان، ۱۳۶۳/۱/۲۵: ۱).

گروه‌های فعال در صحنه انتخابات

گروه‌های سیاسی فعال در دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، شامل حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی معلمان، دفتر تحکیم وحدت و خانه کارگر بودند. هاشمی‌رفسنجانی انتخابات دوره دوم مجلس را پُر التهاب توصیف می‌کند و معتقد است اختلافات جناحی در تبلیغات انتخابات مجلس، میان نیروهای وفادار به انقلاب بروز کرد، و این بار به‌خاطر کمی تجربه دموکراسی، آثار عمیقی به جای گذاشت. وی معتقد است، این اختلافات، یکپارچگی مورد نیاز دوران جنگ را مخدوش کرد و بسیار وقت‌گیر بود (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۴).

تصور اولیه آن بود که حضور نیروهای مکتبی در ترکیب داوطلبان نمایندگی مجلس، بر وحدت سیاسی خواهد افزود و موجب یکدست شدن قوه مقننه خواهد شد. مصطفی ناصری، نماینده دوره دوم مجلس شورای اسلامی از زنجان در مصاحبه‌ای در خرداد ماه ۱۳۹۰ عنوان کرد که در مجلس اول، همه گروه‌ها و احزاب نماینده داشتند و چون هماهنگ و یکدست نبودند، در روند کارها و سرعت تصمیم‌گیری‌ها مشکل ایجاد می‌کرد، اما در انتخابات مجلس دوم، نیروهای یک دست و وفادار به انقلاب شرکت کردند. به نظر می‌آمد با این اوصاف، مجلس یکدست شود، اما به رغم این تصور، به تدریج، اختلاف علایق و سلیق که پیش از این در میان نیروهای مکتبی ریشه دوانیده بود، در انتخابات این دوره از مجلس ظاهر شد (سهراب‌لو، ۱۳۹۰: ۴۶ - ۴۷).

داوطلبین نمایندگی مجلس از جناح راست را گروه‌هایی چون اصناف و بازار، بخشی از حزب جمهوری اسلامی که غالباً همان اعضای جمعیت مؤتلفه اسلامی بودند، بخشی از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و بخشی از جامعه روحانیت مبارز تهران تشکیل می‌داد، و جناح چپ نیز شامل دفتر تحکیم وحدت، جناح چپ حزب جمهوری اسلامی (که برخی از آنان در دولت میرحسین موسوی حضور داشتند)، جناح چپ جامعه روحانیت مبارز و بالاخره جناح چپ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می‌شد (دعایی، مصاحبه، ۱۳۹۴/۳/۱۷).

در لیست جناح راست، افرادی چون محمد یزدی، محی الدین انواری، جلال الدین فارسی، اسدالله بادمچیان، احمد آذری قمی، موسی زرگر و سیدرضا زواره‌ای حضور داشتند. لیست جناح چپ نیز شامل افرادی همچون اسدالله بیات زنجانی، محمدصادق صادقی گیوی (شیخ صادق خلخال)، مصطفی معین، عاتقه رجایی، نجفقلی حبیبی، حسین موسویان، محسن میردامادی، عباس دوزدوزانی، ابراهیم اصغرزاده و گوهر الشریعه دستغیب بود.

این دو طیف سیاسی در جریان انتخابات به رقابت با یکدیگر پرداختند. بنا به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران، اختلافات آن‌ها بنیادین نبود و باید آن را به عنوان اختلافات درون خانوادگی در نظر گرفت. اسدالله بیات زنجانی فضای پیش از برگزاری انتخابات را فضایی باز می‌داند که این موضوع را از آمار نشریات مختلفی که در کشور منتشر می‌شد، می‌توان دریافت، به گونه‌ای که امکان برای مطرح شدن نظرات مختلف فراهم بود (زنجانی، مصاحبه، ۱۳۹۴/۳/۱۸). در آستانه انتخابات، رایزنی گروه‌های سیاسی برای انتشار فهرست مشترک آغاز شد. در اولین

دوره مجلس شورای اسلامی، دفتر تحکیم وحدت فاقد نقش بود، چون از یک سو خود را یک تشکل دانشجویی و مقید به فعالیت در قلمرو دانشگاه به حساب می‌آورد، و از سوی دیگر به علت درگیری در جریان تسخیر سفارت آمریکا، فرصت لازم برای این کار را نداشت (کردی، ۱۳۹۰: ۱۰۸ - ۱۰۹).

این تشکل با برگزاری کنگره‌های مختلف پیش از برگزاری انتخابات مجلس دوم در پی خارج نمودن دانشجویان از رکود و کرختی سیاسی بود (کلانتری، ۱۳۹۰: ۲۲۰). با توجه به موضع‌گیری امام خمینی و دیگر شخصیت‌های سیاسی در باب حضور دانشجویان در انتخابات، دفتر تحکیم وحدت که یکی از حامیان مواضع چپ‌گرایانه دولت محسوب می‌شد، عزم خود را برای ارائه لیست کاندیداهای انتخاباتی جزم نمود.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از رهبران تفکر فقه سنتی شناخته می‌شد. این تشکل در انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی، به خواست امام خمینی از هیچ داوطلب نمایندگی مجلس حمایت نکرد. در آستانه انتخابات دومین دوره، از یک سو دستور پیشین امام مبنی بر عدم دخالت در انتخابات را مبنای کار خود قرار داده بود و از سوی دیگر از آن جایی که تجربه مجلس اول در پیش بود، احساس می‌کرد حضورش در انتخابات ضروری است و نمی‌بایست از موضع سکوت برخوردار کند، به همین خاطر موضوع را با امام در میان گذاشت (صالح، ۱۳۸۵: ۷۱۴). شیخ محمد یزدی در جلسه جامعه مدرسین در ارتباط با لزوم شرکت در انتخابات گفت: دو جناح درگیرند، یک جناح که فقه سنتی اسلام را می‌خواهد، مورد بی‌علاقگی دیگران واقع شدند و دارند کنار می‌روند و می‌گویند که هیچ‌کس به ما کمک نکرد و جامعه مدرسین هم به ما کمک نکرد، و جناح دیگر که فقه باز را می‌خواهد و جناح خوبی هم هستند. اگر جامعه می‌خواهد در صحنه سیاست و کار اسلام باشد، باید حضور خود را اعلام کند (صالح، ۱۳۸۵: ۷۱۵).

احمد آذری قمی و مهدی مهدوی کنی به نمایندگی از اعضای جامعه مدرسین در روز ۲۲ مرداد ۱۳۶۲ به حضور امام خمینی رسیدند و مطالبی را در انتقاد از سیاست اقتصادی دولت، بیرون راندن روحانیت از صحنه انتخاباتی، اوضاع نابسامان اقتصادی و نبود حضور متخصص در دولت، مطرح ساختند و خواهان ورود در انتخابات برای حفظ مبانی اسلام در تدوین قوانین شدند. ایشان حضور این تشکل را در انتخابات لازم و ضروری دانست و سفارش نمود: شما در صحنه باشید و دخالت کنید و در انتخابات آینده هم لازم است دخالت کنید (صالح، ۱۳۸۵: ۷۱۵).

جامعه مدرسین به دنبال این سخنان، تصمیم گرفت به صورت فعال در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کند و از داوطلبینی مشخص حمایت نماید. بحث و گفتگوهای فراوانی در این مقطع پیرامون همکاری یا عدم همکاری با دفتر تبلیغات اسلامی در میان اعضای جامعه مدرسین در گرفت که به یکی از موضوعات مهم و وقت‌گیر در مذاکرات اعضا تبدیل شد. سرانجام نتیجه آن شد که بدون ارائه لیست مشترک با دفتر تبلیغات و نیز حزب جمهوری اسلامی و فقط با برگزاری جلسات مشترک موافقت شود.

جامعه مدرسین برای داوطلبین نمایندگی، ضوابطی را در نظر گرفت که از جمله آن‌ها تدین به فقه سنتی شیعه، سابقه نمایندگی در مجلس اول، ایمان به انقلاب، ولایت فقیه و قانون اساسی بود (صالح، ۱۳۸۵: ۷۲۱). همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، در بهمن ماه سال ۱۳۶۲، شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورد. توصیه امام خمینی به دبیران جامعه مدرسین و جامعه روحانیت مبارز در زمینه حضور و دخالت در انتخابات مجلس و فعالیت‌های این دو نهاد، فضایی را ایجاد کرده بود که اولاً شائبه انحصارطلبی روحانیت و محدود کردن آزادی مردم را تقویت می‌کرد، ثانیاً جریانی را که از جانب روحانیون حمایت نمی‌شدند، در نهایت ضعف و سستی قرار داده بود. این عوامل در کنار شرایط حساس جنگ در آن مقطع، سبب گردید امام با دوراندیشی خاص - همان‌گونه که اشاره شد - در زمینه تأمین آزادی، دخالت هر حوزه را در حوزه دیگر منع نماید (صالح، ۱۳۸۵: ۷۱۸). علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات خود به این مطلب چنین اشاره می‌کند:

نظر امام در مورد انتخابات آینده این است که نباید جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین و ائمه جمعه و حزب (جمهوری اسلامی) و ... برای سراسر کشور داوطلب معین کنند. می‌گویند این‌گونه حرکت‌ها آزادی انتخابات را مخدوش می‌کند و انحصارطلبی روحانیت را در امری که مربوط به مردم است، می‌رساند (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۱: ۴۶۵).

در پی این تصمیم، اعضای جامعه مدرسین از امام درخواست ملاقات کردند. بنا به تصریح علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی، امام این ملاقات را نپذیرفت. اعضای جامعه تصمیم گرفتند پس از گذشت زمان و فروکش کردن التهابات، خدمت امام رسیده و استدلال‌ها و مطالب خود را که توسط ناصر مکارم‌شیرازی جمع‌بندی شده بود، با ایشان در میان گذارند. آن‌ها از امام خمینی درخواست معرفی داوطلب نمایندگی برای سراسر کشور را داشتند و توصیه ایشان را از سوی

زمینه‌ساز ورود افراد نامناسب به عنوان نماینده در مجلس، از سوی دیگر مانعی بر سر راه آزادی عمل خود عنوان کردند.

از آن جایی که در تصمیم امام خمینی تغییری ایجاد نشد، در نهایت، جامعه مدرسین در برابر نظر امام سر تسلیم فرود آورد و از معرفی نامزدهای انتخابی سراسری برای مجلس شورای اسلامی اجتناب نمود و تنها به بیان معیارهای داوطلب اصلح، بسنده نمود (صالح، ۱۳۸۵: ۷۱۹). علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی در نقل قولی از سیداحمد خمینی در این باره می‌گوید: امام به آیت‌الله مهدوی کنی و نامه جامعه مدرسین قم که خواهان اجازه دخالت در انتخابات سراسر کشور بودند، جواب رد داد و تقاضای ملاقات جامعه مدرسین قم را هم نپذیرفت. امام تصمیم داشت روحانیت را که قدرت زیادی در جذب مردم داشت، محدود کند تا گروه مقابل نیز توان عرض اندام داشته باشد. جناح چپ و خط سه، این مسئله را تقویت دموکراسی خواندند و جناح مقابل آن را تضعیف دموکراسی و محدود کردن آزادی‌ها نامیدند، ولی در مقابل اراده امام خمینی، همه تسلیم شدند (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۱: ۴۶۹).

حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز و گروه‌های دیگر همچون انجمن اسلامی معلمان و جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران و همچنین اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مراکز فنی حرفه‌ای سراسر کشور نیز هر کدام طی اعلامیه‌های جداگانه‌ای، اسامی نامزدهای مورد نظر خود را برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی از تهران، اعلام نمودند که اشتراکات فراوانی داشتند (اطلاعات، ۱۳۶۳/۱/۲۱: ۲).

جامعه اسلامی دانشگاهیان نیز در بیانیه خود ضمن دعوت از اقشار مختلف ملت جهت شرکت فعال در انتخابات، از مردم خواست که علاوه بر نمایندگان معرفی شده در لیست خود، به اشخاص واجدالشرايط دیگری که توسط جامعه روحانیت مبارز تهران و حزب جمهوری اسلامی معرفی شده‌اند، رأی دهند (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۱/۱۵: ۲). از سوی دیگر، اصناف و بازار، سازمان فجر اسلام و فداییان اسلام نیز کاندیدای خود را معرفی نمودند.

موضع امام خمینی در باب حضور زنان در انتخابات

علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات خود آورده که پیش از برگزاری انتخابات در ارتباط با منع شرکت بانوان، اقداماتی انجام شده بود که با تیزبینی و هوشیاری امام خمینی مرتفع گشت.

وی به نامه‌ای اشاره می‌کند که ۱۱ نفر از نمایندگان مجلس، طی آن از امام خواسته بودند مانند سال ۱۳۴۱، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن زنان را برای مجلس تحریم نمایند. به گفته سیداحمد خمینی، پیش از این هم فردی خدمت امام رفته و درخواست نموده بود ایشان به شورای نگهبان چنین دستوری بدهند، ولی امام او را منع کرده و گفته بود، این حرف‌ها ضرر دارد. امام خمینی سلب حق رأی از زنان را خلاف شرع دانسته و اظهار کرد که امروز برخلاف زمان شاه، همه امور مجلس شرعی است، و شرکت زنان هم مثل مردان، شرعی، عقلی و انسانی است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۱: ۴۸۲). در آن مقطع گفته می‌شد که تلاش‌هایی از جانب شورای نگهبان به منظور منع شرکت بانوان در انتخابات انجام شده بود که البته اعضای شورای نگهبان، منکر این قضیه شدند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۶۲) امام خمینی در باب لزوم حضور زنان در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی کشور به ویژه انتخابات، در ۱۹ فروردین ۱۳۶۳ اظهار داشتند:

شما باید در همه صحنه‌ها و میدان‌ها آن قدری که اسلام اجازه داده، وارد باشید؛ مثل انتخابات که امروز، عملی است که باید انجام بگیرد و صحبت روز است در ایران. همان طوری که مردها فعالیت می‌کنند برای انتخابات، خانم‌ها هم باید فعالیت بکنند، برای این که فرقی مابین شما و دیگران در سرنوشت‌تان نیست. سرنوشت ایران، سرنوشت همه است؛ یعنی آن قدری که اسلام خدمت به شما کرد، به مردها آن قدر خدمت نکرد. اسلام، شما را حفظ کرد و شما متقابلاً اسلام را حفظ بکنید. حفظ اسلام به این است که این انتخابات که می‌خواهد مجلس دوم را متحقق کند، بدانید که از اموری است که در سرنوشت شما و در سرنوشت ما نقش مهم دارد، و بالاترین نقش است، و این انتخابات است که همه امور کشور را چه در داخل و چه در خارج باید بگذرانند، و لهذا باید شما خانم‌ها یک نقش بسیار فعال داشته باشید که خدای نخواست، مجلس یک مجلسی نشود که به واسطه ورود بعضی عناصر غیر صالح، به تدریج کشانده بشود به طرف شرق یا به غرب، و همان بشود که در زمان سابق بود و همان بگذرد بر ما و شما که در زمان سابق می‌گذشت (صحیفه امام، ۴۰۳/۱۸).

برگزاری انتخابات و مواضع امام خمینی

انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی در فضایی آرام و غیر متشنج در دو مرحله انجام شد (خواجه‌سروی، ۱۳۸۲: ۳۱۷ - ۳۱۸). مرحله اول انتخابات در تاریخ ۱۳۶۳/۱/۲۶ و مرحله دوم در تاریخ ۱۳۶۳/۲/۲۷ برگزار شد. با فاصله چند روز از اعلام نتیجه مرحله اول انتخابات، مهدی شاه‌آبادی نماینده مردم تهران به شهادت رسید و پس از آن رقابت فشرده‌ای برای انتخاب ۱۶ نماینده دیگر تهران بین ۲۳ نفر از داوطلبین نمایندگی برگزار گردید. در این میان، تخلفاتی در انتخابات انجام شد که منجر به ابطال چندین حوزه انتخاباتی از جانب شورای نگهبان گردید. دفتر تحکیم وحدت نیز حزب جمهوری اسلامی را متهم به تقلب در انتخابات نمود.

ابطال برخی از حوزه‌های انتخاباتی (از جمله اصفهان، شیراز و آمل) توسط شورای نگهبان تنش‌هایی را ایجاد نمود. در همان زمان، محمداصداق حقیقت، سخنگوی هیئت اجرایی حوزه انتخابیه تهران، تعداد شعب باطل اعلام شده توسط شورای نگهبان را ۲۷ مورد اعلام کرد (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۲/۱۶: ۱۵).

محمد امامی کاشانی رئیس هیئت نظارت شورای نگهبان، در مصاحبه با روزنامه کیهان توضیح داد که در چند حوزه انتخابیه، بعضی تخلفات انجام شد و انتخاب از مسیر طبیعی خود خارج شد. وی علت ابطال انتخابات اصفهان را فضای ناسالم انتخاباتی عنوان کرد. امامی کاشانی، سرپوش نگذاشتن بر روی تخلفات انتخاباتی را از افتخارات نظام جمهوری اسلامی ایران خواند (کیهان، ۱۳۶۳/۲/۲۴: ۲).

هیئت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان، حوزه‌های انتخاباتی بهشهر، آمل، داراب، جیرفت، کوه‌دشت، فریدن، شهریار، قائم‌شهر و خمینی شهر را به دلیل سوءاستفاده‌های مقام اجرایی قضایی، ناسالم بودن فضای انتخاباتی، عملکرد نادرست هیئت‌های اجرایی و تخلفات متعدد انتخاباتی، باطل اعلام کرد (تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۶۰ - ۱۶۱).

از آنجایی که بیم آن می‌رفت که این امور موجب دلسردی مردم و عدم شرکت در مرحله دوم انتخابات گردد، امام خمینی ضمن توصیه رسیدگی به تخلفات، مجدداً مردم را به شرکت در انتخابات تشویق نمود و این‌گونه امور در روند انتخابات را امری عادی دانست که قطعاً به آن‌ها رسیدگی می‌شد. ایشان در این باره اظهار داشت:

اگر چنانچه در انتخابات اشتباهاتی شده یا فرضاً تقلبی شده است، خُب، مواردی هست که

رسیدگی می‌شود، و شورای نگهبان هم یا ابطال می‌کند، یا فرض کنید بعضی صندوق‌ها را یا اصل انتخابات را. یک مسئله عادی است که در همه جا هست و این امر مهمی نیست. من امیدوارم که آقایان با کمال اخلاص این دفعه هم وارد بشوند و آراء خودشان را بریزند (صحیفه امام، ۴۱۳/۱۸).

افرادی که با نظر شورای نگهبان در باب ابطال یا تأیید بعضی از حوزه‌ها موافق نبودند، پس از این ماجرا، دست به پخش اعلامیه و خطابه در مطبوعات و محافل زدند. عده‌ای از نمایندگان هم علیه شورای نگهبان نامه‌ای به امام نوشتند و شورای نگهبان را متهم به عدم بی‌طرفی در امر نظارت بر انتخابات کردند. با گسترش این مخالفت‌ها، امام خمینی در پیامی در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳، جایگاه رفیع شورای نگهبان و خطر تضعیف آن را گوشزد نمود و احترام به آنان و حفظ مقامشان را لازم دانست. ایشان تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان را امری خطرناک و انحرافی بزرگ قلمداد کرد، چنان‌که در صدر مشروطیت در دوره اول با فقهای ناظر به قوانین به این نحو عمل شده بود (صحیفه امام، ۴۳۱/۱۸ - ۴۳۲). ایشان همچنین در این زمینه تأکید کردند:

من به این آقایان هشدار می‌دهم که تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان، امری خطرناک برای کشور و اسلام است. همیشه انحرافات به تدریج در یک رژیم وارد می‌شود و در آخر، رژیمی را ساقط می‌نماید. لازم است همه به طور اکید به مصالح اسلام و مسلمین توجه کنیم، و به قوانین، هر چند مخالف نظر و سلیقه شخصی مان باشد، احترام بگذاریم و به این جمهوری نوپا که مورد هجوم قدرت‌ها و ابرقدرت‌هاست، وفادار باشیم. حضرات آقایان فقهای شورای نگهبان را با آشنائی و شناخت تعیین کردم و احترام به آنان و حفظ مقامشان را لازم می‌دانم و امید آن دارم که این نحو امور تکرار نشود (صحیفه امام، ۴۳۱/۱۸ - ۴۳۲).

در پی انتشار پیام امام خمینی، بیش از ۱۳۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی (دوره اول) با نگارش نامه‌ای به محضر ایشان، حمایت خود را از اعضای شورای نگهبان اعلام نمودند و پیام امام را در تأیید اعضای شورای نگهبان، ورق زرین دیگری بر تاریخ انقلاب اسلامی دانستند، و از دقت نظر اعضای شورای نگهبان چه در بُعد حراست و نگهبانی از موازین شرعی و انطباق مصوبات مجلس شورای اسلامی با قوانین اسلامی و قانون اساسی و چه در نظارت بر اجرای دقیق قانون انتخابات و جلوگیری از تخلفات بر این امر خطیر، پشتیبانی نمودند. آنان در پایان

خاطرنشان کردند که پس از انقلاب مشروطیت زمانی کلیه آثار انقلاب مذکور زایل شد که از اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی ممانعت به عمل آمد (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۳/۱: ۱۲). در پی دریافت پیام امام در حمایت از شورای نگهبان، حجت‌الاسلام گلپایگانی نایب رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات، در دفاع از شورای نگهبان اظهار داشت که این شورا در مقابل تخلفات به‌طور قاطع ایستادگی خواهد کرد و چنان‌چه انتخابات حوزه‌هایی باطل اعلام شد، این ابطال هرگز به دلیل عدم صلاحیت نامزدهای انتخابی نبوده، بلکه تنها به دلیل عدم اجرای صحیح قانون مزبور می‌باشد (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۳/۲: ۱۲). علی مشکینی (امام جمعه قم) در خطبه‌های نماز جمعه قم از جانب ائمه جمعه سراسر کشور از شورای نگهبان اعلام حمایت نمود (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۳/۵: ۴). علی اکبر ناطق‌نوری (وزیر کشور) نیز در ارتباط با ابطال این حوزه‌ها توسط شورای نگهبان خاطرنشان کرد که اگر شورای مزبور با قاطعیت برای حفظ سلامت مجلس در برابر حوزه‌های باطل شده نایستد، مجلس سالمی در آینده وجود نخواهد داشت (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۲/۳۱: ۲).

پس از انتشار نامه امام خمینی در تأیید شورای نگهبان، اختلافات و درگیری‌هایی در مجلس ایجاد شد و عده‌ای در صدد پخش اسامی امضاکنندگان نامه علیه شورای نگهبان برآمدند. علی اکبر هاشمی‌رفسنجانی وضع موجود را به اطلاع امام رساند و ایشان از این موضوع اظهار تأسف نمود و اظهار داشت: «به آن‌ها بگویید، اختلافات، قلب مرا به درد می‌آورد» (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۱۶). در هر صورت، انتخابات حوزه‌های باطل شده دوباره انجام گردید، اما در برخی از موارد، تأخیر در برگزاری انتخابات تنش‌هایی را ایجاد کرد. هاشمی‌رفسنجانی نیز با انتقاد از وزارت کشور و شورای نگهبان، سیاست تأخیر در انتخابات موارد باطل شده را برخلاف حق و قانون خواند (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۵۸).

نتیجه انتخابات

در ارتباط با مرحله نخست انتخابات، به نظر می‌رسید که مردم تهران بدون توجه به جناح‌بندی‌های سیاسی، به چهره‌های سرشناس رأی داده‌اند. این چهره‌های سرشناس عمدتاً از سوی حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز معرفی شده بودند (دعایی، مصاحبه، ۱۳۹۴/۳/۱۷)، چون مردم چندان شناختی از صف‌بندی‌های سیاسی نداشتند و این جناح‌بندی‌ها مراحل

آغازین خود را طی می‌کردند (کردی، ۱۳۹۰: ۱۱۳). در پایان مرحله اول انتخابات، عده‌ای که به مجلس راه نیافته بودند به انتقاد از نحوه انتخابات پرداختند و تلاش کردند ناکامی خود را به عوامل دیگر نسبت دهند، و این در حالی بود که همه به آزادی انتخابات اعتراف می‌کردند. آن‌ها با سوءاستفاده از اصطلاحات مربوط به جنگ، شکست خورده‌ها را به نام شهید، راه یافتگان به مرحله دوم را مجروح، پیروزها را فاتح و مخالفان را معدوم می‌نامیدند (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۷۱). امام خمینی پس از انجام مرحله اول انتخابات در ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳، از این مباحث به عنوان توطئه قدرت‌های بزرگ و اذتاب آن‌ها در داخل کشور یاد کردند و اظهار داشتند:

ما گمان نکنیم که دست‌های قدرت‌های بزرگ قطع شده است از این‌جا؛ ملت ایران باید توجه کنند به این‌که توطئه‌ها هست الآن. شما ملاحظه بفرمایید که در همین انتخاباتی که با آن خوبی و آزادی انجام گرفت، و بحمدالله مردم همه در صحنه حاضر بودند و امید است که در دوره دوم هم، در آن بعد هم که باید انتخابات بشود، آن هم حاضر باشند مردم، و این تکلیف الهی را به آن عمل کنند. الآن دست‌هایی از داخل و خارج هست که بین آقایانی که در انتخابات دخالت داشتند، اختلاف بیندازند. شما گمان نکنید که خارجی‌ها و اذتاب آن‌ها در این کشور کودتا می‌کنند؛ نمی‌کنند، چون نمی‌توانند. کشوری که همه‌اش مهیاست برای شهادت، نمی‌تواند که آن‌ها در این‌جا وارد بشوند؛ لکن از داخل، ما را می‌پوسانند. یکی از مواردی که الان انگشت آن‌ها در کار است و با جدیت دارند توطئه می‌کنند، این است که دو دستگی بیندازند بین اشخاصی که در انتخابات بردند یا به اصطلاح باختند. با این تعبیر زشت برد و باخت، شکست و پیروزی، با این تعبیرهای زشت می‌خواهند بین ملت ما اختلاف بیندازند (صحیفه امام، ۴۰۳/۱۸).

امام خمینی به طرق مختلف در پی ایجاد وحدت بین کاندیداهای و جناح‌ها بود، و آن‌ها را از تفرقه پراکنی و اختلاف برحذر می‌داشت. ایشان معتقد بود که در انتخابات لازم است با خلوص نیت شرکت کرد و هرگز نمی‌بایست از مفاهیمی چون برد و باخت استفاده کرد (صحیفه امام، ۴۱۳/۱۸).

در مرحله دوم انتخابات، از نامزدهای حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز که در آغاز جناح‌بندی‌ها نمایندگی جناح راست را داشتند، ۱۳ نفر به مجلس راه یافتند. از میان

نمایندگان جناح چپ نیز ۶ نفر توانستند به مجلس بروند، در حالی که از میان ۶ نفر راه یافته نیز دو نفر با لیست جناح راست مشترک بود. به طور کلی، نتیجه انتخابات حاکی از موفقیت نسبی هر دو جناح به یک اندازه بود؛ جناح چپ ۱۲ کرسی، و جناح راست نیز ۱۸ کرسی مجلس را در تهران به دست آوردند، اما با توجه به نتایج کلی آراء کشور، به نظر می‌رسید که جناح چپ به موفقیت بیشتری دست یافته است (شادلو، ۱۳۸۶: ۳۴).

علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی در خاطراتش یادآوری نموده که از منظر امام خمینی در بعضی از حوزه‌ها که ائمه جمعه و روحانیون سرشناس دخالت کرده بودند، موفقیت به دست نیامد، و این نشان از استقلال فکری مردم داشت. نمونه بارز آن در انتخابات اهواز، بندرعباس، آبادان، زرنده، آشتیان، شیراز، تبریز، قم، سبزوار و یزد اتفاق افتاد (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۷۰). کاندیداهای جامعه مدرسین حوزه علمیه در قم شکست خوردند. در بسیاری از حوزه‌ها در حد انتظار و پیش‌بینی نتیجه داده و تعداد کمی هم برخلاف پیش‌بینی مثل جهرم و زرنده کرمان پیروز شدند (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۶۸).

بنا به گفته علی‌اکبر ناطق نوری (وزیر کشور) در مرحله اول انتخابات، ۱۵ میلیون و ۹۹۵ هزار و ۲۱ رأی به صندوق‌های اخذ رأی ریخته شد، و یکصد و بیست و یک نفر موفق به کسب نصاب لازم شدند و به مجلس راه یافتند (صورت مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، ۱۳۶۳/۳/۷). در مرحله دوم نیز ۶ میلیون ۵۶ هزار و ۷۰۶ نفر شرکت نمودند و یکصد و سی نفر راهی مجلس شدند (صالح، ۱۳۸۵: ۷۲۲).

نتیجه‌گیری

انتخابات مجلس دوم شورای اسلامی آغاز رویارویی دوجناح موسوم به چپ و راست در درون نیروهای معروف به خط امام و یا مکتبی بود. این نیروها در این زمان برای نخستین بار در یک رقابت سیاسی علیه هم صف بندی کردند. تصور اولیه بر این اساس بود که رقابت انتخاباتی آرام و بدون چالش با حضور کاندیداهایی که همه دارای طرز تفکر یکسان بودند، برگزار خواهد شد. اگرچه فضای این دوره از انتخابات مجلس با تنش و چالش‌های دوره اول مواجه نبود، اما شرایط جدید و منحصر به فرد این مقطع، وضعیت را به گونه‌ای دیگر رقم زد. اختلافات جناحی تشکلهایی همچون حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب

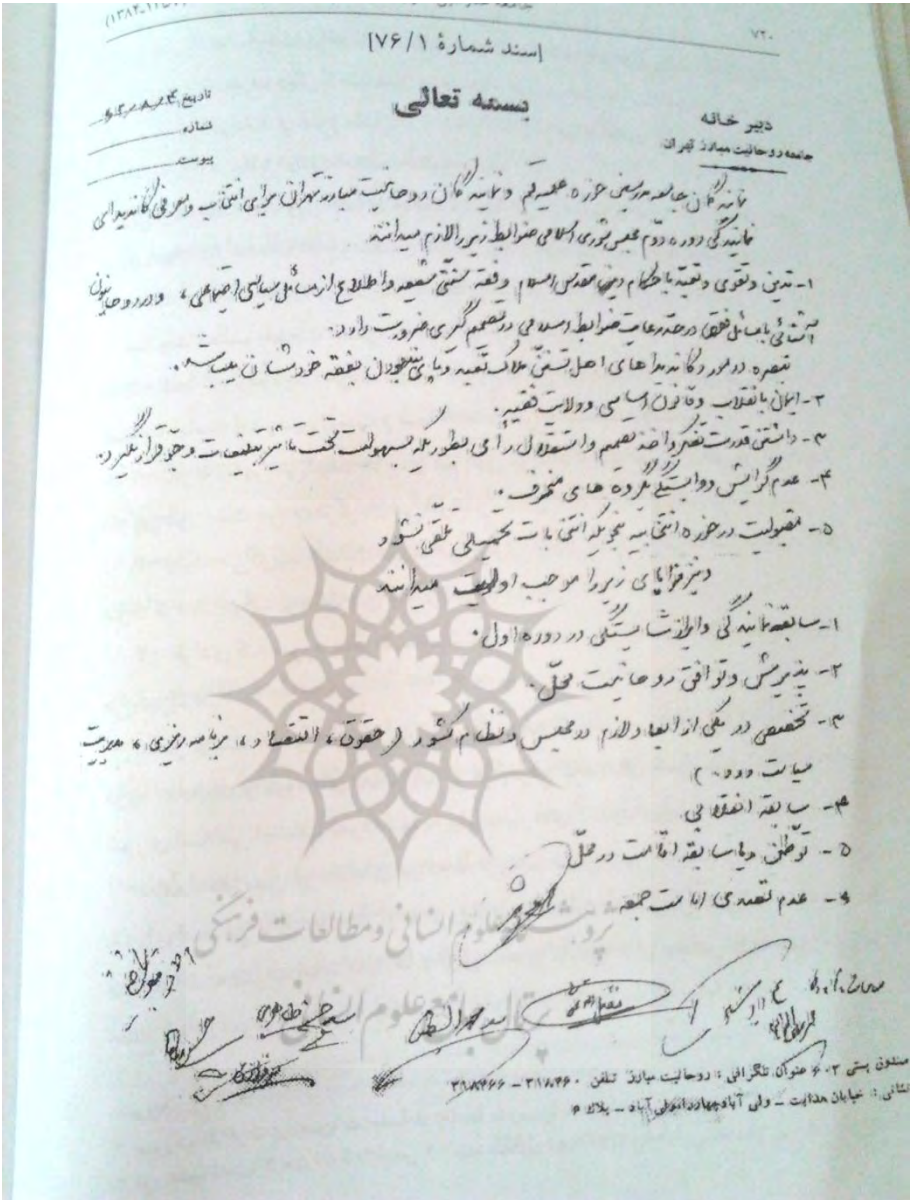
اسلامی و... در انتخابات این دوره از مجلس خودنمایی کرد. مواضع برخی از تشکل‌های روحانیون در انتخابات این دوره از مجلس و شائبه انحصارطلبی آن‌ها موضع‌گیری امام خمینی را در برابر نیروهای مکتبی در پی داشت. ایشان به درستی تشخیص داده بود که شرایط انتخابات به گونه‌ای پیش می‌رود که ممکن است حق واقعی انتخاب از مردم سلب شود و مردم تحت تأثیر القائات و شبهات برخی از افراد یا جناح‌ها قرار گیرند؛ بنابراین در شرایط و موقعیت‌های مختلف با ایراد سخنرانی و ارائه رهنمودهای لازم، مردم را از حق خود آگاه می‌نمود و نامزدهای انتخابی را از گروه‌گرایی به سمت ضابطه‌گرایی تشویق می‌نمود. نتیجه انتخابات نشان از این داشت که مردم بدون توجه به جناح‌بندی‌های سیاسی به چهره‌های مشهور رأی داده بودند، چون در این زمان جریان‌های موجود در کشور هنوز برای عموم شناخته شده نبود.

در هر صورت، نتیجه انتخابات حاکی از موفقیت نسبی هر دو جناح بود. انتخابات این دوره از مجلس، آغاز رویارویی علنی دو جناح چپ و راست در نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ضمائم گاهشمار انتخابات مجلس دوم شورای اسلامی و رهنمودها و مواضع امام خمینی

سخنرانی امام خمینی در جمع خطبا و وعاظ در باب لزوم اعتقاد کاندیداهای نمایندگی به اسلام و اجرای صحیح آن و عدم مخالفت با کیان نظام جمهوری اسلامی	۱۳ مهر ۱۳۶۲
سخنرانی امام خمینی در جمع ائمه جمعه مراکز استان‌ها در مورد اهتمام به انتخاب اصلح در انتخابات	۴ آبان ۱۳۶۲
پیام امام خمینی به ملت ایران و توصیه به منظور عدم دخالت حوزه‌های در حوزه دیگر	۲۲ بهمن ۱۳۶۲
اعلام رسمی دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی مبنی بر آن که هیچ‌گونه مداخله‌ای در تعیین نامزدهای انتخاباتی در غیر شهر تهران ندارد.	۲۶ بهمن ۱۳۶۲
سخنرانی امام خمینی در جمع مدیران و کارکنان صدا و سیما در مورد لزوم شرکت دانشجویان در تمام صحنه‌های سیاسی و اجتماعی	۹ اسفند ۱۳۶۲
سخنرانی امام خمینی در جمع بانوان عضو مکتب‌های اسلامی قم و مسجد جامع نارمک در باب نقش بانوان در انتخابات	۱۹ فروردین ۱۳۶۳
برگزاری مرحله اول انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی	۲۶ فروردین ۱۳۶۳
ابطال ۲۷ شعبه از شعب انتخاباتی به دلیل تخلفات توسط شورای نگهبان	۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۳
سخنرانی امام در جمع مسئولان نظام به مناسبت عید مبعث و دعوت به شرکت در مرحله دوم انتخابات و متاثر نشدن از القابات دشمن و توطئه‌های قدرت‌های خارجی	۹ اردیبهشت ۱۳۶۳
پیام امام خمینی به ملت ایران و اشاره به جایگاه رفیع شورای نگهبان و گوشزد نمودن خطر تضعیف آن	۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۳
برگزاری مرحله دوم انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی	۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۳
نامه ۱۳۰ نفر از نمایندگان مجلس (دوره اول) به محضر امام خمینی و حمایت از شورای نگهبان	۱ خرداد ۱۳۶۳



تصویر شماره ۱: ضوابط مورد نظر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و روحانیت مبارز تهران برای
کاندیداهای نمایندگی دوره دوم مجلس شورای اسلامی

[سند شماره ۷۶/۲]

بسمه تعالی

دقتس

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

تاریخ
شماره
پیوست

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برای انتخاب و معرفی کاندیدای نمایندگی دوره دوم مجلس شورای

اسلامی ضوابط زیر را لازم میدانند:

۱- تدین و تقوی و تعهد با احکام دین مقدس اسلام و فقه سنتی شریعه و آشنایی کامل با مسائل فقهی در حد رفاقت ضوابط اسلامی در تصمیم گیری.

۲- ایمان بانقلاب و قانون اساسی و ولایت فقیه.

۳- داشتن قدرت تفکر و اخذ تصمیم و استقلال رأی، بطوریکه بسبب ولت تحت تاثیر تبلیغات و حکومت قرار نگیرد.

۴- عدم گرایش و وابستگی به باندهائی که دارای سوابق سوء هستند و نیز مزایای زهر را موجب اولویت میدانند.

۵- سابقه نمایندگی و ابراز شناختگی در دوره اول.

۶- پذیرش و توافق روحانیت محل.

۷- تخصص در یکی از ابعاد لازم در مجلس و نظام کشور مانند حقوق، اقتصاد، برنامه ریزی،

نفت، مدیریت، سیاست و ...

۸- سابقه انقلاب و یاری مستضعفین و محرومین.

۹- توانایی و یا سابقه اقامت در محل.

۱۰- توافق جامعه روحانیت مبارز تهران.

روابط عمومی جامعه - مسعودی

۹۲/۵/۳۰

قم - خیابان بهارستان ناظمی: تلفن ۲۸۸۷۸

تصویر شماره ۲: ضوابط مورد نظر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برای کاندیداهای نمایندگی دوره دوم مجلس شورای اسلامی

منابع و مآخذ

الف: کتاب‌ها

- آقایی جیره‌نده، عباس؛ رضا بسطامی (۱۳۷۸). *مجلس شورای اسلامی دوره دوم*. (چ ۱). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- امام خمینی (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- *تاریخ انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی دوره‌های اول، دوم و سوم* (۱۳۹۳). (چ ۱). تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت.
- خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شادلو، عباس (۱۳۸۶). *تکثرگرایی در جریان اسلامی*. تهران: وزرا.
- صالح، محسن (۱۳۸۵). *جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از آغاز تا کنون*. (ج ۲). (چ ۱). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کردی، علی (۱۳۹۰). *دفتر تحکیم وحدت از آغاز تا انشعاب*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۰). *دفتر تحکیم وحدت در کشاکش سنت و تجدد*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محتشمی پور، علی‌اکبر (۱۳۷۹). *چند صدایی در جامعه و روحانیت*. تهران: خانه اندیشه جوان.
- *مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۳ - ۱۳۶۷)*. دوره دوم. تهران: روابط عمومی مجلس.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۴). *انتخابات و مجلس از نگاه امام*. (چ ۲). تهران: عروج.
- میردار، مرتضی (۱۳۸۴). *خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق نوری*. (ج ۲). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- هاشمی‌رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۱). *کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۲، آرامش و چالش*. (مهدی هاشمی، کوششگر). تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- _____ (۱۳۸۶). *کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳، به سوی سرنوشت*. (چ ۴). محسن هاشمی، کوششگر). تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

ب: روزنامه‌ها

- روزنامه *اطلاعات*، سال ۱۳۶۳.
- روزنامه *جمهوری اسلامی*، سال ۱۳۶۲، ۱۳۶۳.
- روزنامه *کیهان*، سال ۱۳۶۳.

ج: نشریات و سایت‌ها

- گفتگو با مهدی کروی، خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶/۱۱/۹.
- گفتگو با محسن آرمین، **مهرنامه**، شماره ۳۲، آذر ۱۳۹۲، سال چهارم.
- پدرام سهرابلو، «تولد چپ و راست»، **مجله نسیم بیداری**، خرداد، ۱۳۹۰، شماره ۱۷.

د: مصاحبه‌ها

- بیات‌زنجانی، اسدالله (۱۳۹۴/۳/۱۸)، قم.
- حمیدزاده گیوی، علی اکبر (۱۳۹۴/۳/۲۵)، تهران.
- دعایی، محمود (۱۳۹۴/۳/۱۷)، تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی